

روزنامه **اقتصاد** **تحلیل - امید ایرانی** - در نظریه پردازی

کلاسیک روابط بین الملل، وادار کردن یک دولت به پذیرش میز مذاکره غالباً بر سه رکن استوار بوده است: تغییر موازنه قوای نظامی در میدان نبرد، تحمیل هزینه‌های اقتصادی غیر قابل تحمل‌ل از رهگذر تحریم‌های فراگیر، یا میانجیگری قدرت‌های ثالث که هزینه‌های تداوم وضع موجود را برای دو طرف به تصویر بکشد. اما آنچه در عمل سیاسی معاصر، به ویژه در مناقشات پیچیده‌ای نظیر رویارویی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده، از اهمیت بیشتری برخوردار شده، نه صرفاً کمیت فشارهای وارده، بلکه کیفیت اثرگذاری آن فشار بر لایه‌های ژرف‌تر ادراکی کنشگران سیاسی است. فشار زمانی به هدف خود نزدیک می‌شود که نحوه مسئله‌یابی، دایره گزینه‌های قابل تصور، و حتی برداشت بازیگر از عقلانی بودن یا مشروع بودن مسیرهای پیش رو را دستخوش دوگونی بنیادین سازد. این همان فرآیندی است که در این نوشتار ذیل عنوان «محاصره روایی» از آن یاد می‌شود؛ مفهومی که با عبور از تحلیل‌های مرسوم قدرت سخت، به معماری شناختی میدان مذاکره می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه یک بازیگر مسلط، پیش از آنکه طرف مقابل را پای میز بنشاند، قالب‌های ذهنی او را بازتعریف می‌کند، تا مذاکره نه به مثابه یک انتخاب در میان بدلی‌های متعدد، که چو نان تنها مسیر کم‌هزینه در ذهن تصمیم‌گیرنده نقش ببندد.

در بازه زمانی متأخر، به ویژه از نهم اسفند ماه سال ۱۴۰۴ که موج جدیدی از عملیات‌های نظامی آمریکا و اسرائیل علیه مواضع ایران آغاز شد و به موازات آن، کانال‌های پنهان و آشکار گفت‌وگو بر سر سه محور اصلی یعنی توقف مخاصمات، وضعیت تنگه هرمز و دایره برنامه هسته‌ای شکل گرفت، شاهد بروز جلوه‌های بارزی از این راهبرد محاصره‌گرا نه در سطح کلان هستیم. در این بازه، هم‌زمان با حملات هوایی و تشدید فشارهای دریایی، یک لایه ار تباطی موازی و بسامان نیز به اجرا درآمد که کارویزه اصلی آن، تعریف مرزهای گفتمانی مجاز برای طرف ایرانی بود. معماری این لایه ارتباطی را می‌توان از رهگذر نشانه‌هایی چون کوتاه‌سازی افق تصمیم‌گیری، تحمیل دستور کار از پیش‌تعیین‌شده، کاربست واژگان دوطبقی تروریسم و تسلیم، بازنمایی مذاکره به‌سان یک انتخاب خودخواسته و حذف گزینه‌های میانی از سپهر گفتمانی، بازشناخت. هدف نهایی از این سازوکار چندلایه، آن است که فضایی بر ساخته شود که در آن، نه تنها گزینه مذاکره به عنوان یک امکان عقلانی جلوه‌گر شود، بلکه خود این مذاکره نیز دقیقاً در چارچوبی تعریف گردد که خواست آمریکایی را در رأس دستورکار قرار دهد و بدیل‌های قابل‌ارائه طرف ایرانی را به حاشیه‌ای ناپیدا براند.

نخستین گام در این مهندسی ادراکی، فشرده‌سازی پهنای ادراک از طریق کاربست ضرب‌الاجل و تهدید قریب‌الوقوع است. در شرایط عادی، تصمیم‌گیران یک دولت از فرصت نسبی برای واریسی سناریوهای مختلف و طراحی راهبردهای ترکیبی برخوردارند. اما زمانی که مهلت‌های اعلام‌مده به چند



روز یا چند هفته تقلیل می‌یابد و تهدیدهای نظامی با زبانی صریح طرح می‌شود، قوه تعقل راهبردی به سوی مدیریت فوری خطر سوق داده می‌شود و از طراحی راهبرد بلندمدت فاصله می‌گیرد. آمریکا با اعلام مهلت‌های کوتاه و متوالی، عملاً تردمیل زمانی مصنوعی می‌سازد که در آن، هر دقیقه بدون پاسخ مثبت، در روایت رسانه‌ای به مثابه فرصت‌سوزی بازنمایی می‌شود. نتیجه آنکه فضای ادراکی به وضعیتی محذب و تک‌سویه بدل می‌شود که در آن، تصمیم‌گیری سریع خود به مثابه فضیلتی اخلاقی و درنگ به منزله کژکارکردی شناختی قلمداد می‌شود، بی‌آنکه پیوند این فوریت ساختگی با راهبرد دشمن مورد پرسش قرار گیرد.

دومین مؤلفه این راهبرد، تصاحب دستور مسئله است. در هر فرآیند مذاکراتی، تعیین اینکه چه چیزی موضوع گفت‌وگوست و چه تعریفی از موفقیت یا شکست صادق است، خود نیرومندترین اهرم قدرت به‌شمار می‌رود. ایالات متحده کانسون گفت‌وگوهای احتمالی را حول سه مسئله مشخص یعنی بازگشایی تنگه هرمز، محدودیت‌های راستی‌آزمایی‌پذیر بر برنامه غنی‌سازی، و تعیین تکلیف ذخایر اورانیوم متمرکز کرد و هم‌زمان، دو مسئله بنیادین دیگر یعنی منشأیابی آغازگر جنگ و سازوکارهای اعتمادسازی متقابل را به حاشیه تبعید نمود. این انتخاب هوشمندانه، از یک سو، طرف ایرانی را در موضع پاسخ‌گویی دائمی قرار می‌دهد و از سوی دیگر، امکان طرح مسئله سب‌شناسی مخاصمات یا پیش‌شرط‌سازی برابر را از او سلب می‌کند. تعیین دستورکار از بیرون، فرصت مسئله‌یابی مستقل را از کنشگر ایرانی می‌ستاند و او را در موقعیت کنشگری واکنشی قرار می‌دهد که صرفاً به بسته‌های پیش‌نویس شده پاسخ می‌دهد، نه اینکه خود صورت‌بندی بدیلی از مناقشه را به میان آورد.

سومین لایه از معماری محاصره روایی، انحصار ترجمان واقعیت است که به حوزّه زبان و واژگان مجاز گفتمانی بازمی‌گردد. واژگانی نظیر تروریسم برای توصیف اقدامات نیروهای نیابتی ایران، شکست در اجرای تعهدات برجامی

را تنها مسیر کم‌هزینه بر می‌گزیند. این شیب‌گذاری در افکار عمومی نیز اثرگذار است، زیرا تدریجاً این باور شکل می‌گیرد که انحراف از مسیر مذاکره، به معنای انتخاب آگاهانه جنگ و ویرانی است و فشار درونی بر نهاد تصمیم‌گیرنده مضاعف می‌شود.

ششمین مؤلفه، خودانتخاب‌نمایی مسیر هدایت‌شده است. در این مرحله، ورود ایران به مذاکرات نه به مثابه پاسخی به فشار، بلکه به عنوان اراده‌ای مستقل و خودجوش تصویر می‌شود. آمریکا خود را بازیگری معرفی می‌کند که فرصتی برای دیپلماسی فراهم ساخته و ایران را در موضع گزینشگری قرار می‌دهد. فشار نظامی که مهم‌ترین عامل شتاب‌بخش به سمت میز مذاکره بوده، از متن روایت حذف می‌شود و تنها اراده ایران به عنوان متغیر تعیین‌کننده باقی می‌ماند. در صورت پذیرش مذاکره، این پیروزی روش فشار است؛ در صورت عدم پذیرش، نیت‌شکنی ایران مسئول تداوم بحران معرفی می‌شود. این شیوه، توزیع علیت را در ذهن ناظران بر هم می‌زند و این توهم را تقویت می‌کند که سرنوشت مذاکرات صرفاً به تصمیم تهران بستگی دارد.

هفتمین مؤلفه، قفل بازگشت تفسیری است که الگو را به سامانه‌ای خودترمیم‌گر تبدیل می‌کند. هر پیامد منفی حاصل از مذاکرات، نه به مثابه نقضی در راهبرد فشار، بلکه به مثابه تأییدی بر ضرورت تشدید آن تفسیر می‌شود. اگر ایران مذاکره را بپذیرد، نشانه کارآمدی فشار است؛ اگر مقاومت کند، نشانه نیاز به فشار بیشتر؛ اگر توافق به نتیجه نرسد، گواه غیرقابل اعتماد بودن ایران؛ و اگر ایران اقدام متقابل کند، توجیهی برای حملات جدید. این چرخه، روایت آمریکایی را در برابر واقعیات میدانی شکست‌ناپذیر می‌سازد و محاصره روایی را از تاکتیکی موقت به ساختاری پایدار بدل می‌کند.

با تجمیع این هفت مؤلفه، دریافتنی است که آنچه آمریکا به کار بسته، سامانه‌ای جامع برای مدیریت ادراک است که از زمان تصمیم تا زبان توصیف و از دستورکار تا بازنمایی هزینه‌ها، ساخت این الگو، دلالت سیاسی روشنی برای راهبرد دفاعی ایران دارد: گشودن مجدد فضای ادراکی، مستلزم رویه‌هایی در نقطه مقابل مؤلفه‌های هفت‌گانه است. در برابر فشرده‌سازی زمان، گسترش افق تصمیم از طریق اعلام جدول‌های زمانی

«سرآمد» تحلیل می‌دهد؛

از فشار تا محاصره

مؤلفه های راهبردی آمریکا برای قالب‌بندی ذهن تصمیم‌گیران ایرانی

جایگزین. در برابر تصاحب دستور مسئله، تولید دستورکار موازی و طرح مسائلی چون توقف حملات و تضمین‌های امنیتی. در برابر انحصار ترجمان، وارد کردن واژگان بدیل به گفتمان. در برابر تبعید بدیل‌ها، شمردن صریح گزینه‌های سوم و چهارم. در برابر شیب‌گذاری، بازنمایی برابر هزینه‌های مذاکره بی‌تضمین و منافع مقاومت حساب‌شده. در برابر خودانتخاب‌نمایی، برجسته‌سازی نقش فشار به عنوان متغیر بیرونی. و در برابر قفل تفسیری، ارائه تفسیرهای رقیب که نشان دهد موفقیت یا شکست مذاکرات، معلول کیفیت تضمین‌ها و متوازن بودن تعهدات است.

مذاکره در ذات خود، هرگز عقلانی یا غیرعقلانی نیست؛ آنچه به آن عقلانیت می‌بخشد، بستری است که در آن شکل می‌گیرد. محاصره روایی، پیش از آنکه محتوای توافق مورد بحث قرار گیرد، بستر ادراکی را چنان قالب‌بندی می‌کند که هر توافقی، مگر در چارچوب خواست طرف مسلط، ناممکن می‌نماید. گشایش این محاصره، به مهندسی معکوس روایت و احیای ظرفیت تولید دستورکار میسر می‌شود. ایران زمانی از محاصره روایی خارج می‌شود که نه تنها بر تعریف مسئله و گزینه‌ها قدرت تولید داشته باشد، بلکه بتواند هزینه‌های عدم توافق را برای طرف مقابل نیز به تصویر بکشد. تا زمانی که اگر به توافقی مصفانه بینجامد، بازتولیدی از همان نظم روایی نابرابر خواهد بود.

راهبرد دفاعی هوشمندانه، نه به معنای طرد مذاکره، که به معنای شرط‌گذاری متقابل بر سر خود فرآیند است: گشودن فضای ادراکی از رهگذر تنوع‌بخشی به سناریوها؛ تفکیک پذیرش گفت‌وگو از پذیرش دستورکار طرف مقابل؛ اعلام صریح گزینه‌های بدیل برای هر سناریو؛ تعریف مسئله‌ای متقارن‌سازی بازنمایی هزینه‌های توافق و عدم توافق؛ و مصون‌سازی تصمیم‌گیری از تأثیر ضرب‌الاجل‌های رسانه‌ای. محاصره روایی، به مثابه فناوری نوین قدرت، نه با بمب و تحریم که با معا و ادراک سرر و کار دارد. بازگشایی فضای ادراکی، مستلزم بازگشت به توانایی تعریف مستقل از واقعیت و ترسیم افق‌های بدیل است. تا زمانی که این توانایی زنده و پویا باقی بماند، هیچ محاصره‌ای نمی‌تواند دامنه تصور یک ملت را به بن‌بست دوگانه‌های تحمیلی محدود کند. مذاکره، از این منظر، نه پایان راه، که ایستگاهی از راه است؛ و ارزش آن، به کیفیت دستورکاری بستگی دارد که هر طرف، پیش و پس از نشستن، توانایی تولید و دفاع از آن را دارد. کشوری که بر تعریف مسئله، تنظیم تضمین‌ها و گشودن گزینه‌های تازه قدرت داشته باشد، هرگز در محاصره روایی دیگری اسیر نخواهد شد.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی تنکابن

۱۳۷۴فرعی غلامرضا عابدی سلاله - به کد ملی ۲۶۴۰۲۶۴۰۹۰نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به

مساحت ۲۵۰متر مربع انتقالی از مالک رسمی

۱۹۸۰فرعی ایوب رستمی - به کد ملی ۱۶۹۹۷۵۲۹۶نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۱۹۰,۹۶متر مربع انتقالی از مالک رسمی

÷لذا به موجب ماده۴ تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی و کثیره‌الانتشار در شهر منتشر و در روستا علاوه بر انتشار آگهی رای هیات الصاق تادر صور تیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند.معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم درخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور د مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهار نامه ثبتی پذیرفته نشده واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهار نامه حاوی تحدید حدود مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود بصورت همزمان به اطلاع عموم می رساندو نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۹

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۲

شناسه آگهی: ۲۲۴۷۴۹۹۹

صفر رضوانی گیل کلانی

معاون مدیر کل و سر پرست ثبت اسناد و املاک تنکابن

۱۳۷۴مفروزی از ۸۲فرعی فریده سلیمانی به کد ملی

۲۱۸۴۸۱۴۴۲نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۱۲۳,۱۳متر مربع انتقالی از مالک رسمی

املاک متقاضیان واقع در قریه چناربن پلاک ۱۹ اصلی بخش ۴

۱۳۸۳مفروزی از ۲۹فرعی میلاد نجف‌اده بابائی به کد ملی ۲۲۱۹۹۰۶۴۳۴نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۹۶,۴۳متر مربع انتقالی از مالک مشاعی

املاک متقاضیان واقع در قریه چناربن پلاک ۱۹ اصلی بخش ۴

۱۳۸۴مفروزی از ۲۹فرعی حسین نجف‌اده بابائی به کد ملی ۲۲۱۹۹۰۶۴۳۴نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۳۰,۵۳متر مربع انتقالی از مالک مشاعی

املاک متقاضیان واقع در قریه چناربن پلاک ۱۹ اصلی بخش ۴

۱۳۸۵مفروزی از ۲۹فرعی مجتبی نجف‌اده بابائی به کد ملی ۲۲۱۹۵۷۱۷۲۶نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۳۲,۶۲متر مربع انتقالی از مالک مشاعی

املاک متقاضیان واقع در قریه توکله پلاک ۱۲۱ اصلی بخش ۴

۱۱۳فرعی آرزو ابراهیمی راد به کد ملی ۴۲۱۳۷۰۱۵۷نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۱۲,۵۰متر مربع انتقالی از مالک رسمی

املاک متقاضیان واقع در قریه چیرسر پلاک ۱۱۳ اصلی بخش ۴ ۶۶۹مفروزی از ۳۰۰فرعی مهگل حاجتی نیا کد ملی ۲۲۱۰۷۳۷۲۰۶نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۳۹۷متر مربع انتقالی از مالک مشاعی

به املاک متقاضیان واقع در قریه سلیمان اباد پلاک ۳۲ اصلی بخش ۴

۷۴۸فرعی علی ناظریان به کد ملی ۴۴۵۱۲۰۴۵۰۰نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۲۸متر مربع انتقالی از مالک رسمی

املاک متقاضیان واقع در قریه چلاسر پلاک ۴۲ اصلی بخش ۴ ۴۴۴فرعی عزیز سرمست کد ملی ۵۰۶۹۶۲۶۴۵۰نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۱۶متر مربع انتقالی از مالک رسمی

املاک متقاضیان واقع در قریه سنگراسر پلاک ۵۲ اصلی بخش ۴

املاک متقاضیان واقع در قریه برامسر پلاک۱۳ اصلی بخش ۴

۴۱۸فرعی سیناصدقی اشکوری به کد ملی ۲۲۱۹۸۸۶۸۳۲نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشجر به مساحت ۲۶۸ متر مربع انتقالی از مالک رسمی

املاک متقاضیان واقع در قریه برامسر پلاک۱۱۳ اصلی بخش ۴ ۴۱۵فرعی داور ابراهیم منتقمی به کد ملی ۲۲۱۹۵۱۳۴۵۹نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشجر به مساحت ۲۳۱ متر مربع انتقالی از مالک رسمی

املاک متقاضیان واقع در قریه رج محله پلاک۹ اصلی بخش ۴ ۳۲۷فرعی اسداله صائب به کد ملی ۲۲۱۹۰۱۰۲۳۶نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشجر به مساحت ۱۵۷,۱۵متر مربع انتقالی از مالک رسمی

املاک متقاضیان واقع در قریه چالکش پلاک۱۲۳ اصلی بخش ۴ ۸۸فرعی عباس قاسمی به کد ملی ۰۳۲۱۲۶۲۳۰۱نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۴۰۶,۵۰متر مربع انتقالی از مالک رسمی

املاک متقاضیان واقع در قریه لزربن پلاک۱۱۹ اصلی بخش ۴ ۷۶۸فرعی قربان نظریان به کد ملی ۲۲۱۹۵۱۰۴۸۴نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۲۶۴ متر مربع انتقالی از مالک رسمی

املاک متقاضیان واقع در قریه خوبانرزگاه پلاک ۱۲۰ اصلی بخش ۴ ۵۱۵۲مفروزی از ۹۲فرعی مقصود کیا به کد ملی ۲۲۷۹۵۳۶۵۸۷نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۲۰۶متر مربع انتقالی از مالک مشاعی

املاک متقاضیان واقع در قریه سوریشکنی پلاک ۶۰ اصلی بخش ۴ ۴۱فرعی مهرداد مهرکیش به کد ملی ۰۴۴۰۱۶۴۰۵۲نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۲۵۴متر مربع انتقالی از مالک رسمی

املاک متقاضیان واقع در قریه چناربن پلاک ۱۹ اصلی بخش ۴

نظر به مواد ۱ و ۱۳ قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب مرحله ۳۶۲

۹/۲۰/۱۳۹۰املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی تنکابن مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد.

املاک متقاضیان واقع در شهر تنکابن پلاک ۱۱ اصلی بخش ۱ ۵۹۹۰مفروزی از ۳۳۶۳فرعی عطا نمک شناس لاهیجی به کد ملی ۲۲۱۰۰۲۶۷۶۸ و الهام پهنسی به کد ملی ۰۴۶۳۲۰۲۲۱۰۰ سهم هر کدام برترتیب سه دانگ مشاع از اعیان ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۲۰۰متر مربع انتقالی از مالک رسمی

املاک متقاضیان واقع در قریه معلم کوه پلاک۲۵ اصلی بخش ۲ ۱۴فرعی سعید اسمعیل زاده شهرستانی به کد ملی ۲۲۱۰۰۲۶۷۸۷۴نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان به مساحت ۲۰۳,۴۰متر مربع انتقالی از مالک رسمی

املاک متقاضیان واقع در قریه کرچکله پلاک۵۷ اصلی بخش ۳ ۱۷۲۳فرعی اعظم عیدی نجف آبادی به کد ملی ۱۰۹۰۲۳۰۹۴۱نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشجر به مساحت ۶۰۰متر مربع انتقالی از مالک رسمی

املاک متقاضیان واقع در قریه طالش محله پلاک ۱۱۳۰ اصلی بخش ۳ ۲۰۱فرعی فرزانه پیروی اصفهانی به کد ملی ۱۲۸۳۲۸۵۶۱۵نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۹۰متر مربع انتقالی از مالک رسمی

املاک متقاضیان واقع در قریه بابولات پلاک ۱۲۳ اصلی بخش ۳ ۱۶۹فرعی داود طالش نوا ده به کد ملی ۰۴۲۷۹۳۹۱۸۲۱نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۷۳۴,۳۴متر مربع انتقالی از مالک رسمی